

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: ن. راز دستونسکی
برگردان از: ا. م. شیری
۲۳ فبروری ۲۰۱۷

این را خود زندگی به من آموخته است

کشور به صدمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتوبر وارد شده است.

ارزیابی همه آنچه که در این دوره در میهن ما و در جمهوری‌های متحد سابق ساخته شد، دشوار است. اتحاد شوروی ۵۰ سال به سازندگی مشغول بود، اما ما را همواره از آن منحرف می‌کردند بدون این که کشور ما مزاحم کشور دیگری بشود و به کشور دیگری هجوم ببرد. ما هیچ کشوری را به جنگ داخلی گرفتار نکردیم. این یلتسینی‌ها حاکمیت شوروی را به درگیر ساختن آن متهم می‌کنند. آری، هر طور مایل هستید، زندگی کنید. و ما هم هر طور که می‌خواهیم، زندگی می‌کنیم.

ولادیمیر ایلیچ لنین، اندیشمند نابغه تمام توان خود را به مبارزه برای آزادی انسان کارگر از ستم سرمایه‌داری صرف نمود تا کشور سوسیالیستی ایجاد نماید. آثار او را همه جهان فرامی‌گیرد. آیا، کسانی مثل گوربچوف، یلتسین، چوبایس ایجاد جامعه عادلانه نوین بدون سوسیالیسم را می‌دانستند؟!

بر چه اساس پیروان یلتسین و ولادیمیر ایلیچ لنین را به همه گناهان، حتی به خیانت متهم می‌کنند؟! آری، او کلیسا را از دولت و مدرسه را از آن جدا کرد تا در راه ساختن سوسیالیسم مانع ایجاد نکند.

حاکمیت شوروی علم، صنایع، تحصیل، سلامت و بهداشت، صنایع دفاعی، کشاورزی شکوهمندی ایجاد نمود، روستاها را نه تنها در جمهوری فدراتیو روسیه، بلکه، در همه جمهوری‌های متحد از وجود انرژی برق بهره‌مند ساخت. همانا ولادیمیر ایلیچ لنین فرمول‌بندی کرد: "کمونیسم یعنی حاکمیت شورائی به اضافه برق‌رسانی به سراسر کشور". کمیته دولتی برق‌رسانی به جمهوری سوسیالیستی فدراتیو روسیه تشکیل گردید. بدون توسعه برق توسعه اقتصاد، و همچنین توسعه علم و دانش ممکن نیست. و لنین خطاب به جوانان مبارز ندا در داد: "بخوانید، بخوانید و بخوانید!"

در همه جا مدارس افتتاح گردیدند، و در سال‌های سی جوانان تحصیل کرده در کشور پدیدار گشتند. دانشمندان، مهندسان، تکنسین‌ها، معلمان، پزشکان و کارگران ماهر به عرصه رسیدند. آموزشگاه‌های نظامی و فرهنگستان‌های تربیت افسر برای ارتش سرخ و کادرهای مدرس افتتاح شدند.

مدارس علمی، مؤسسات طراحی شکل گرفتند، که در آنها طراحان هواپیما مانند توپولوف، ایلیوشین، یاکولیف، لاوچکین، سوخوی و... رشد یافتند.

ارتباطات رادیویی، نیروهای زمینی و بحری توسعه یافتند. در امور کشاورزی فن‌آوری جایگزین کار سنگین جسمی گردید.

همچنین در سالهای سی کارخانه‌های تولید وسایل حمل و نقل، هواپیمائی و خودروسازی در شهرهای خارکوف، ستالینگراد، مسکو، گورکی، چلیابینسک، نیژنی‌تاگیل و سایر شهرها و شهرستانها راه‌اندازی گردید. صنایع سبک نیز طبق برنامه توسعه یافتند. همه دانشمندان، طراحان، مخترعان، نویسندگان، کارگردانان سینمای اتحاد شوروی همراه خلق بودند و افزایش باروری ماشین‌آلات و مکانیزم‌های نوین، به کار آن غنا بخشید.

نویسندگان آثاری در راستای تربیت و تعمیق میهن‌پرستی، عشق به وطن خلق نمودند. فلم‌های نشاندهنده موفقیت‌های انسان ساده شوروی ساخته شدند. تمامی میراث فرهنگی برای عموم مردم قابل دسترس گردید. در همه جا کتابخانه‌ها تأسیس شدند.

در همین دوره ورزش توسعه یافت، جوانان برای کار و دفاع آماده شدند (آماده کار و دفاع از اتحاد شوروی). این است مفهوم صنعتی کردن در شرایط سوسیالیسم. "حکومت شورائی - راهی است به سوی سوسیالیسم، راه کشف‌شده به واسطه توده‌های زحمتکش، و به همین دلیل هم صحیح است و چون صحیح است، شکست‌ناپذیر است". چنین است کلام لنین.

همه آنچه که من نوشتم، زندگی، مدرسه از سال‌های کودکی در دوره اتحاد شوروی در ضمیر و شعور من ثبت کرده است. بدون سوسیالیسم، آنطور که من می‌فهمم، دولت هم معنی ندارد - هست برده و برده‌دار. و این به کجا ختم می‌شود، به توضیح نیاز ندارد.

کلام لنین را ستالین فرزانه خوب درک می‌کرد. بر اساس طرح او کاخ علوم در تپه‌های لنین احداث گردید. اما یلتسینی‌های بی‌خرد امروزی با وجود این که ستالین در جنگ پیروز گردید و کشور را به قدرت صنعتی با سپر اتمی تبدیل نمود، خروار - خروار لجن بر او می‌پاشند. او را به تشکیل اردوگاه‌های اصلاحی - تربیتی کار و اعدام‌ها متهم می‌کنند... سؤال می‌شود، در کدام کشور مجازات اعدام اجراء نشده است؟ آیا ستالین فهرست تیرباران شده‌ها را تهیه کرد؟ خوب، اگر دادگاه حکم صادر کرد، او حکم صادر شده را تأیید نمود. مقصر آنهایی هستند که پشت سر او "آب پاشیدند". خلق به ستالین اعتماد داشت. او برای خود کاخ ساخت، او نه فقط برای خود نساخت، حتی به افراد تحت امر خویش نیز اجازه ساختن کاخ نداد. هنگام جنگ در سینه او مدالها ندرخشیدند، بلکه، سینه فرماندهان جبهه‌ها پر از نشان و مدال بود.

پس از درگذشت ستالین، سکان هدایت کشور به دست خروشچف "آزادفکر" افتاد. به دنبال او، برژنف ظاهر شد... و، به طوری که آنوقت‌ها می‌گفتند، دوره "سوسیالیسم پیشرفته" فرارسید. پس از برژنف سایر رهبران پدیدار شدند. انگار افراد متفکر در اتحاد شوروی نایاب شدند، رهبری کشور به دست کودکان افتاد و چون به آموزه‌های لنین و مارکس آگاهی نداشتند، برای ساختن جامعه نوین دست به دامن "دوستان" ماورای اقیانوسی شدند.

"دوستان" هم صلاح دیدند: روسیه چه نیازی به جمهوری‌های متحد دارد؛ چرا روسیه برای تسلیحات و حفظ ارتش پول خرج می‌کند؟.. (راکت‌ها، کشتی‌ها را بریدند، سکوهای پرتاب را منفجر کردند). "دوستان" با تأکید گفتند: با وجود گاز و نفت زیاد در کشور، شما چه نیازی به توسعه تولید دارید؟ ما قیمت آنها را افزایش می‌دهیم، و شما خودرو، ماشین‌آلات و خواربار از ما خواهید خرید. به سخنان ما گوش فرادهید، خودسرانه تصمیم نگیرید! خیانت ادامه یافت.

اما خلق کجا بود؟ چرا صدای اعتراض برنیورد؟ آیا حکومت شوروی بد بود و تغییر آن نیز لازم؟ خلق، که حاکمیت جدید آن را به فقر مهلک گرفتار کرده است، با مصرف اندوخته‌های دوره شوروی خود، سکوت اختیار نمود. او در خانه‌های رایگان شوروی زندگی می‌کرد و هیچ درکی از بی‌کاری نداشت.

خلق گرفتار در دامن فقر و بی‌کاری به جای مبارزه برای حاکمیت شورائی، غسل تمعید کرد و از خدا خواست: "از بدتر از این حفظش کند!"

در روسیه رهبر جدید، ولادیمیر پوتین به طور غیرمنتظره و پیش‌بینی نشده ظاهر شد. شایستگی او در این است، که از ادامه سقوط کشور جلوگیری کرد و فهمید که بدون ارتش مقتدر نابودی استقلال کشور حتمی است. همه توان خود را برای بازسازی آن صرف نمود. خوشبختانه در این کار موفق شد. کریمه باستانی روس را به آغوش روسیه بازگرداند. و، شاید این، همه شایستگی وی در دوره رهبریش باشد. اگر برای توسعه اقتصادی، مبارزه با فساد، ارتقاء سطح رفاه عمومی به طور جدی سعی نکند، او هم از قدرت کنار خواهد رفت.

پس از جنگ در سوریه، پوتین باید به بازسازی اقتصاد کشور خود بپردازد. و برای انجام این کار، او بایستی صرفنظر از شخصیت، دولت به ریاست نخست وزیر را برکنار نماید. خوب، اگر در دوره کودرین -شالوف اقتصاد دچار رکود گردید، و خلق هر چه بیشتر به دامن فقر در غلتیدند، چه توقعی می‌توان از آنها داشت! روسیه دارای سرزمین بسیار وسیع، منابع طبیعی غنی و خلق شکست‌ناپذیر می‌باشد!

برای پوتین لازم نیست به اقتصاد دیگر کشورها بیندیشد. بگذار آنها به فکر اقتصاد خود باشند. بگذار روسیه در راه توسعه اقتصاد خود گام بردارد و موفق شود. و همه این برادران سابق که از روسیه فاصله گرفتند، دوباره باز خواهند گشت و باز هم در کشور واحد گرد خواهند آمد.

اقتصاد برنامه‌ریزی شده، راه آزموده‌ای است! اما بدون برنامه همنیطوری هم در حد یک صدم درصد آن را افزایش خواهیم داد. یکی را بلند خواهیم کرد، دیگری را خواهیم انداخت.

اگر پوتین هیچ کاری انجام ندهد، روسیه گزینه دیگری دارد. ما رئیس جمهور دیگری انتخاب خواهیم کرد. در تاریخ روسیه همیشه چنین بوده است. کسی به قدرت خواهد رسید، که به تعبیر پوتین، "یاوسرائی نخواهد کرد"، به سرعت همه مشکلات بین‌المللی مرتبط با روسیه را، پیش از همه، مرتبط با اوکراین را حل خواهد کرد. اقتصاد را در مسیر جدید -در راه شکوفائی هدایت خواهد نمود. کشور را دوباره به یک ابرقدرت صنعتی دارای ارتش مقتدر تبدیل خواهد نمود.

روسیه دوباره راه سازندگی سوسیالیسم -کمونیسم را همچنان که در سال ۱۹۱۷ قصد داشت، در پیش خواهد گرفت و دیگر هیچ وقت از این مسیر منحرف نخواهد شد.

و تاریخ حق کسانی را که میهن بزرگ ما -اتحاد شوروی را مثله کردند، به کف دست‌شان خواهد گذاشت.

۱۰۰ سالگی انقلاب، تاریخی عظیم در تاریخ روسیه است. خلقهای شکست‌ناپذیر ما با قربانی دادن میلیونها نفر از شایسته‌ترین فرزندان خود در محراب پیروزی، جهان را از خطر طاعون فاشیسم رهانید.

چگونه می‌توان به یادواره سربازان شوروی در کشورهای اروپائی، در اوکراین بی‌احترامی کرد؟! او در ارتباط با این هیچ صدای اعتراضی از طرف روسیه به گوش نمی‌رسد.

این بی‌اعتنائی چه نتیجه‌ای در پی داشت؟ نتیجه این بود که به گروه ۲۸ نفری پانفیلوف که در جاده **والکالامسکی** دشمن را متوقف کرد، بی‌حرمتی شد، و **زویا کاسامدمیانسکایای** قهرمان را بیمار آتش‌افروز نامیدند! او سروان گاستللو را، که

با هواپیمای خود تجهیزات دشمن را نابود ساخت، دیگر قهرمان به حساب نیاورند... بر اساس ایدئولوژی جدید معلوم می‌شود که نه ارتش سرخ، بلکه، سرمای روسیه در جنگ پیروز گردید.
برادر بزرگ آناتولی چوبایس فراموش می‌کند، که ما برمی‌خیزیم، ما میخ‌های تابوت را درمی‌آوریم، و خود او و همه شرکایش را دفن می‌کنیم!

...

روستای داراژایوا، استان تومر

<http://www.sovross.ru/articles/1516/30558>

۴ اسفند - حوت ۱۳۹۵